



گونه‌شناسی نمایش معارفی

ممد غفاری
کارشناس حوزه رسانه

مقدمه

«نمایش» به‌عنوان گونه‌ای پویا و خیال‌انگیز در میان قالب‌های برنامه رادیویی شاخص است. «داستان‌محوری»، «بیان غیرمستقیم پیام» و از همه مهم‌تر «برقراری ارتباط با احساسات شنونده» سه ویژگی اصلی ساختار نمایش رادیویی است که آن را از سایر ساختارهای رادیویی متمایز می‌کند. اختصاص یک ردیف ثابت ۳۰ دقیقه‌ای در جدول پخش رادیو معارف به «نمایش معارفی» از ابتدای سال ۱۳۹۰ موجب شد تا به این‌گونه نمایشی خاص توجه ویژه‌ای شود. در این راه لازم می‌نمود که یکبار به طور جامع همه شاخه‌ها و زیرمجموعه‌های این‌گونه نمایشی شناسایی شود تا تولید و پخش «نمایش معارفی» از این رادیو با برنامه‌ریزی و جهت‌گیری مناسبی انجام شود. در ادامه سعی می‌کنیم با مطالعه تجارب واحد نمایش رادیو معارف، اولین قدم را در راه شناخت فرصت‌ها و چالش‌های تولید این‌گونه نوپا در نمایش رادیویی برداریم.

نمایش رادیویی معارفی

دسته‌بندی گونه‌ای از نمایش‌های رادیویی با عنوان «نمایش رادیویی معارفی» با دو مؤلفه ساختار و محتوا قابل تعریف و توضیح است. قابل ذکر است که در این مقاله هر جا از عنوان «نمایش معارفی» استفاده شده است، منظور همان «نمایش رادیویی معارفی» است.

ساختار

تمایز اصلی «نمایش معارفی» در حوزه ساختار با عموم نمایش‌های رادیویی در «استفاده نکردن از موسیقی» خلاصه می‌شود. در تولید «نمایش معارفی» با توجه به پخش آن از رسانه‌های معارفی معاونت صدا (رادیو معارف و رادیو قرآن) و بنا بر پیروی کلی از سیاست‌های سازمانی مبنی بر فقدان پخش موسیقی از این شبکه‌ها امکان استفاده از موسیقی وجود ندارد. این ویژگی هر چند در ظاهر محدودیتی آسیب‌زننده به ساختار متعارف نمایش‌های رادیویی محسوب می‌شود، اما در عمل راه را برای آزمودن ترکیب‌های صوتی تازه و استفاده مؤثر از افکت‌های صوتی باز می‌کند.

محتوا

«نمایش معارفی» از لحاظ محتوا هم حوزه‌ای خاص از موضوعات متعارف برای ساخت نمایش رادیویی را در بر می‌گیرد. این دسته از موضوعات هر چند با قید «معارفی» مشخص می‌شوند، اما چندان محدود نیستند. علاوه بر تمامی سرگذشت‌نامه‌ها و داستان‌های مذهبی که حجم انبوهی از تاریخ و ادبیات کهن اسلام و ایران را دربر می‌گیرند، تمامی داستان‌هایی که به نحوی پیام اخلاقی

و رفتاری متناسب با آموزه‌های معارف اسلامی را در خود جای داده‌اند، قابلیت تبدیل شدن به «نمایش معارفی» را دارند. همچنین با توجه به مأموریت رادیو معارف در پرداختن به مبانی نظری و عملی انقلاب اسلامی، پرداختن به تمامی سرگذشت‌ها و وقایع تاریخی معاصر که موجب افزایش آگاهی و بینش در این حوزه معنایی می‌شوند، قابلیت تبدیل شدن به «نمایش معارفی» را دارند.

در ادامه، نگاهی دقیق‌تر به دسته‌بندی‌های محتوایی «نمایش معارفی» داشته، به اختصار فرصت‌ها و چالش‌های هر دسته را بررسی خواهیم کرد:

دسته‌بندی محتوای «نمایش معارفی» از لحاظ دوره‌های زمانی

الف) پیش از اسلام

عمده داستان‌های معارفی پیش از اسلام شامل داستان‌های قرآن کریم و داستان‌های انبیای الهی است. البته تمامی داستان‌های اسطوره‌ای و تمثیلی با منشأ کهن در این گونه جای می‌گیرند که معمولاً فاقد محتوا و پیام معارفی‌اند و در «نمایش معارفی» مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

به گفته مفسران حدود یک سوم حجم قرآن کریم مشتمل بر داستان و مثل است که همین امر نشان از جایگاه و

نقش مهم «داستان» در انتقال معارف اسلامی است. اصلی‌ترین منبع اقتباس این داستان‌ها کتاب‌های ارزنده تفسیر قرآن کریم است که نویسندگان «نمایش معارفی» با مراجعه به این تفاسیر، با شالوده اصلی داستان و شخصیت‌های آن آشنا می‌شوند و با توجه به برداشت خود به خلق نمایش‌نامه معارفی می‌پردازند. اما دو نکته بسیار کلیدی در این برداشت حائز اهمیت است:

اول) هدف قرآن کریم از بیان داستان: نویسندگان «نمایش معارفی» نباید فراموش کنند که هدف قرآن کریم از بیان داستان، عبرت‌اندوزی و راهنمایی بشر به سمت سعادت ابدی است و لذا مشی قرآن در بیان داستان، ذکر نکردن جزئیات (نام‌ها، مکان‌ها، زمان وقوع حوادث و حتی ترتیب وقوع آن) و توجه به محتوا و درس‌های یک داستان است. لذا در رویکرد نمایشی به داستان‌های قرآن نباید به صورت افراطی به افزودن جزئیات تخیلی پرداخت، بلکه باید به حداقل حواشی برای ترسیم فضا و پیشبرد داستان اکتفا کرد.

دوم) اسرائیلیات در تفسیر آیات: متأسفانه به دلایل گوناگون در تفسیر آیات قرآن کریم، روایات جعلی و دروغ‌پردازی‌های جاهلانه و گاه مغرضانه وارد شده و بعضاً این خطاها به کتاب‌های تفسیری متقدم نیز راه یافته‌است. در نوشتن «نمایش معارفی» حتماً باید به معتبرترین نقل‌ها رجوع کرد و از پردازش حواشی ضعیف اجتناب نمود. ترجمه تفسیر ارزشمند المیزان و همچنین تفسیر نمونه دو منبع امروزی و متقن برای نقل روایات مرتبط با آیات قرآن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

علاوه بر تمامی

سرگذشت‌نامه‌ها و داستان‌های

مذهبی که حجم انبوهی از

تاریخ و ادبیات کهن اسلام و

ایران را دربر می‌گیرند، تمامی

داستان‌هایی که به نحوی پیام

اخلاقی و رفتاری متناسب با

آموزه‌های معارف اسلامی

را در خود جای داده‌اند،

قابلیت تبدیل شدن به «نمایش

معارفی» را دارند.

در رویکرد نمایشی به داستان‌های قرآن نباید به صورت افراطی به افزودن جزئیات تخیلی پرداخت، بلکه باید به حداقل حواشی برای ترسیم فضا و پیشبرد داستان اکتفا کرد.

برای آشنایی بیشتر با ابعاد نمایشی قصه‌های قرآن، مطالعه کتاب تحسین‌شده **مبانی هنری قصه‌های قرآن** نوشته حجت‌الاسلام سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا) نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما توصیه می‌شود.

ب) صدر اسلام

در تعریف دقیق بازه زمانی «صدر اسلام» بین مورخان اختلاف است. اما در این دسته‌بندی، «صدر اسلام» با حوادث مربوط به ولادت پیامبر اعظم (ص) شروع می‌شود و تا پایان دوره غیبت صغری حضرت حجت (عج) ادامه می‌یابد. این دوره زمانی ۳۷۰ ساله (حدوداً از ۵۷۰ تا ۹۴۱ میلادی) شامل حیات ظاهری چهارده معصوم می‌شود که با غیبت امام دوازدهم به دوره میانی متصل می‌گردد.

شایع‌ترین تلقی از «نمایش معارفی» شامل داستان‌هایی می‌شود که در این بازه زمانی رخ داده‌اند. داستان‌های زندگی پیامبر اکرم (ص) و زندگی اهل بیت (ع)، همچنین زندگی اصحاب و یاران ایشان، پادشاهی امویان و بخشی از پادشاهی عباسیان ذیل عنوان «صدر اسلام» قرار می‌گیرد.

با وجود کثرت وقایع و داستان‌های به‌جامانده از این دوره و ارتباط مستقیم اکثر آنها با معارف اسلامی، مشکلاتی نیز بر سر راه تألیف نمایشنامه معارفی در این دوره وجود دارد که به اختصار شرح می‌دهیم:

اول) کثرت نقل قول‌ها و اختلاف روایات: منابع دست اول و مستند تحقیق در وقایع تاریخی این دوره، روایات به‌جامانده از معصومان است. معمولاً این

روایات با توجه به پیچیدگی‌های علم درایه و رجال فقط برای اهل فن قابل استفاده است و نویسندگان «نمایش معارفی» باید به منابع سطح پایین‌تر همچون تاریخ‌های روایی و یا کتب سیره‌نگاری معصومان مراجعه کنند. در اینجا مشکل دیگری نمود می‌یابد و آن اختلاف نظر میان مؤلفان این کتب است. در حدی که مثلاً در ماجرای شهادت امام رضا (ع) برخی از متقدمین به دلیل روابط ظاهراً حسنه ایشان با دستگاه خلافت، قائل به شهادت ایشان به‌دست مأمون عباسی نیستند. در چنین مواردی نویسنده باید با مراجعه به محققان خبره، نقل مشهور را انتخاب و بر اساس آن، کار خود را پیش ببرد.

دوم) شهرت برخی نقل‌ها در میان مردم: مشکل دیگر در داستان‌پردازی از وقایع صدر اسلام، شهرت برخی نقل‌ها و وقایع در میان مخاطبان است. مثلاً داستان بعثت یا واقعه کربلا بارها و بارها توسط رسانه‌های مختلف (منبر، کتاب‌های درسی، سینما، صداوسیما) نقل شده و همگان از جزئیات آن آگاهند. در چنین مواردی «نمایش معارفی» کار سختی پیش رو دارد تا بتواند روایتی مورد پسند و منطبق با دانسته‌های پیشین مخاطب به او ارائه دهد؛ به نحوی که به تکرار نیفتد و ملال‌انگیز نگردد. در اینجا نویسنده ورزیده با انتخاب زاویه نگاه متمایز و تمرکز بر جزئیات مغفول‌مانده وقایع می‌تواند کار قابل قبولی ارائه دهد.

همچنین منطبق‌نبودن قول مشهور نزد مخاطب با واقعیت‌های اثبات‌شده تاریخی از دیگر چالش‌های پیش روی نویسنده است. در این موارد باید با ظرافت و بدون



خداوند وارد کردن به اعتقاد مردم، از مسیر حقیقت خارج نشد.

سوم) **ترجمه کلام معصومین از عربی به فارسی:** داستان‌هایی که به نحوی ختم به حضور یکی از معصومین می‌گردد و نقل قول‌هایی از این حضرات که در «نمایش معارفی» به صراحت یا به اشاره می‌آید، همواره چالش‌برانگیز بوده است. اهتمام بزرگان اسلام به نقل دقیق و واژه به واژه کلام معصومین باید در «نمایش معارفی» که به زبان فارسی ساخته می‌شود نمود پیدا کند. به این منظور باید ترجمه‌ای صریح و گویا با حداقل ویرایش نسبت به کلام اصلی مورد استفاده قرار بگیرد.

چهارم) **سیاست کلان رسانه ملی در حفظ وحدت فریق اسلامی:** روایت شیعه دوازده‌امامی از وقایع کلیدی صدر اسلام گاهی اختلاف زیادی با روایت عامه (اهل سنت) دارد. واقعه غدیر، واقعه سقیفه، شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)، قتل خلیفه سوم، پیمان صلح حضرت امام مجتبی (ع) با معاویه و... نمونه‌هایی از این اختلافات است. همچنین شخصیت برخی صحابه رسول خدا (ص) برخلاف نقل عامه، در نقل شیعه چندان سفید نیست و همین تفاوت‌ها در طول تاریخ منجر به درگیری‌های علمی و غیرعلمی فراوانی شده‌است. در پرداخت «نمایش معارفی» حتماً باید به این حساسیت‌ها توجه کرد و سیاست‌های کلان نظام اسلامی و رسانه ملی در پرهیز از دامن‌زدن به اختلافات بیهوده مذهبی را مدنظر داشت.

ج) دوره‌های میانی

«دوره میانی» زمان بعد از غیبت حضرت حجت (عج) تا آغاز زمان معاصر را دربر

می‌گیرد. داستان‌های فراوانی از زندگی علمای اعلام، حکیمان و دانشمندان، امیران و وزیران و مردم عامی در این دوره باقی مانده است که با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و ادبی قابل دستیابی است. بسیاری از وقایع عبرت‌آموز معارفی در دوره‌های میانی همچنان دست‌نخورده باقی مانده و جای کار فراوان دارد.

دوره‌های میانی به دلیل طولانی بودن زمان آن و تنوع وقایع و شخصیت‌ها، بستری مناسب برای قصه‌پردازی توسط نویسندگان است و تولید آن به‌عنوان «نمایش معارفی» به دلیل متصل نبودن به نقل‌های مستند روایی و تاریخی با آزادی عمل بیشتری همراه خواهد شد.

از جمله چالش‌های «نمایش معارفی» در این دوره، انتخاب زبان مناسب برای روایت داستان است؛ زبانی که نه همچون زبان امروز ساده و سرراست و خالی از ظرافت‌های ادبی باشد، و نه همچون نثر منشیانه دوره میانی سرشار از عبارات و کنایات غریب و غیرمستعمل.

د) تاریخ معاصر

در تعریف دقیق زمان شروع دوره معاصر بین مورخان اختلاف است. اما بنا بر نظر دکتر ولایتی (منطبق با تعریفی که در کتب درسی رسمی لحاظ شده است) تاریخ معاصر ایران از دوره قاجار آغاز می‌شود.

ویژگی این دوره تاریخی، حجم زیاد اطلاعات در دسترس، شفافیت وقایع و شخصیت‌ها و نزدیک بودن آنها به زمان حال است. همچنین ارتباط داشتن وقایع تاریخی این دوره با آنچه مخاطب در زندگی روزمره خود با آن درگیر است، از جمله جذابیت‌های «نمایش معارفی» تاریخ معاصر محسوب می‌شود.

دسته‌بندی محتوای «نمایش معارفی» از لحاظ کمیت حضور شخصیت‌های حاضر در آن

الف) چهارده معصوم (ع) و افراد در عداد معصومین (ع)

بااهمیت‌ترین شخصیت‌هایی که در یک «نمایش معارفی» امکان حضور دارند، در این دسته هستند:

- پیامبر اکرم (ص) و دختر ایشان فاطمه زهرا (س)

- دوازده امام شیعه: علی بن ابیطالب (ع) و یازده امام از فرزندان ایشان

- ام‌المؤمنین خدیجه (س)، زینب کبری (س) و فاطمه معصومه (س)

- ابوالفضل العباس (ع) و علی اکبر (ع)

هرگونه حضور و نقل قول این شخصیت‌ها در «نمایش معارفی» با حساسیت‌هایی همراه است که در جای خود توضیح داده خواهد شد.

ب) انبیای الهی

در رده دوم اهمیت، شخصیت انبیای الهی قرار دارد که در داستان‌های قرآن با ذکر نام یا صفت از آنها یاد شده است.

ج) بزرگان اسلام، علما و مشاهیر تاریخی سایر صحابه، یاران، شاگردان و پیروان ائمه معصومین، همچنین همه امامزادگان محترمی که ناشران دعوت اسلام و پاسداران حریم تشیع بوده‌اند، در رده سوم اهمیت در «نمایش معارفی» قرار می‌گیرند.

علمای برجسته جهان تشیع، مراجع عظام و شهدای اسلام و انقلاب نیز در این گروه جای می‌گیرند.

دسته‌بندی محتوای «نمایش معارفی» از لحاظ کیفیت حضور شخصیت‌های معارفی در آن اولین پرسشی که هر نویسنده به محض ورود به یک کار نمایشی (صحنه‌ای یا رادیویی) با موضوع معارف اسلامی از خود و دیگران می‌پرسد این است که: «چقدر می‌توانم حضرات معصومین (علیهم‌السلام) را در نمایش وارد کنم؟» ممنوعیت نمایش تصاویر معصومان از جمله ویژگی‌های خاص «نمایش معارفی» است که آن را کاملاً از سایر گونه‌های نمایشی متمایز می‌کند. یک نمایشنامه‌نویس کلاسیک هرگز نمی‌آموزد که چطور می‌تواند داستانی را بدون امکان حضور شخصیت اصلی بازگو کند. به همین دلیل «نمایش معارفی» گونه‌ای رها شده در مجامع آکادمیک نمایشی به شمار می‌آید. تا آنجا که برخی از اساتید اساساً منکر نمایش بودن این گونه نمایشی می‌شوند. در پاسخ به این

تلقى اشتباه که ناشی از نگاهی سطحی به «نمایش معارفی» است، به دو نکته باید توجه داشت:

اول: آنچنان که در تعریف ابتدایی مشخص شد، «نمایش معارفی» اعم از «نمایش‌های آیینی» است که صرفاً با حضور مقدس‌ترین چهره‌های معارفی تعریف می‌شود. مطابق این تعریف، «نمایش معارفی» از لحاظ محتوا به گستردگی تمامی موضوعات اخلاقی است. صد البته که «نمایش آیینی» بخش مهمی از اینگونه نمایشی را تشکیل می‌دهد؛ اما همه آن نیست.

دوم: حضور همه شخصیت‌های معارفی در «نمایش معارفی» ممنوع و محدود نیست. مطابق دسته‌بندی بالا، به غیر از شخصیت‌های گروه کمیت-الف که بیش از بیست نفر نیستند، دو گروه «ب» و «ج» که جمع کثیری را تشکیل می‌دهند، با محدودیت خاصی برای نمایش واقعی مواجه نیستند. علاوه بر این، شخصیت‌های گروه «الف» نیز طبق قاعده و بر اساس موازینی قابلیت حضور در «نمایش معارفی» را دارند که در ذیل، این موضوع را بررسی می‌کنیم.

الف) حضور مستقیم

بحث درباره پیشینه ممنوعیت نمایش ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و حساسیت علمای اسلام (شیعه و عامه) در طول تاریخ روی این موضوع بسیار است و خود مقاله‌ای - و بلکه کتابی - جداگانه می‌طلبد. برای آشنایی با عمق این موضوع مطالعه کتاب خورشید در قاب نوشته رحمت‌الله امیدوار (ناشر: سوره مهر) می‌تواند مفید باشد. کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی هم در مورد «هنر نمایشی تعزیه» و جایگاه آن در فقه و تطابق آن با آداب شرع نوشته شده که در صورت لزوم قابل استفاده است.

اما در مجموع باید گفت در «نمایش رادیویی معارفی» بسیاری از آن محدودیت‌های فقهی و شرعی وجود ندارد؛ چون اساساً نشان دادن معصومان به شکل متعارف محقق نمی‌شود و در این گونه از نمایش، به جلوه‌های صوتی اکتفا می‌شود.

اما چند نکته درباره حضور مستقیم شخصیت‌های گروه «کمیت-الف» در «نمایش معارفی» قابل توجه و تذکر است. منظور از «حضور مستقیم» صحنه‌پردازی‌هایی است که شخصیت‌ها به‌طور مؤثر در آن حضور داشته باشند و بار دراماتیک صحنه و پیشبرد داستان (کمی و کیفی) بر دوش آنان باشد.

- حضور شخصیت‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد: حضور مستقیم شخصیت‌های درجه یک معارفی در نمایش معارفی صرفاً در جایی موجه است که راه دیگری برای پیشبرد نمایش از لحاظ منطقی و یا از نظر اثرگذاری وجود نداشته باشد. مثلاً در صحنه وداع حضرت اباعبدالله (ع) با زینب کبری (س) در ظهر عاشورا، طراحی صحنه بدون حضور شخصیت حضرت زینب (س) تقریباً غیرممکن است. اما می‌توان با تغییر «روایت مستقیم صحنه» به «روایت از گذشته» شخصیت اباعبدالله (ع) را در نقل قولی که حضرت زینب (س) بعدها از آن واقعه می‌کنند جای داد.

- گفتار شخصیت‌ها کوتاه و متفن باشد: وفاداربودن به عین نقل تاریخی و اختصار در بیان گفت‌وگوها می‌تواند به اثرگذاری صحنه‌ها بیفزاید و از آسیب‌های احتمالی بکاهد. حضور مستقیم شخصیت‌های گروه «کمیت-الف» برای بالابردن تأثیر صحنه‌ها می‌طلبد که این حضور «کوتاه» و «مستند» باشد.

- از بازیگران با صدای فاخر و فاصله‌گذاری در ایفای نقش شخصیت‌ها استفاده شود: برای رفع هرگونه شبهه در حضور مستقیم ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در نمایش معارفی توصیه اکید می‌گردد که از صداهای فاخر در ایفای نقش ایشان استفاده شود و این صداها به همراه جلوه‌های صوتی متمایز (مثلاً اکوی مناسب و سکوت صحنه) شنیده شود.

ب) حضور در حاشیه

در بسیاری از موارد، روایات باقی‌مانده از یک ماجرای تاریخی آنقدر کم و گنگ

است که اساساً نمی‌توان نقش پررنگی برای شخصیت‌های گروه «کمیت-الف» در نمایش معارفی در نظر گرفت. در این موارد معمولاً نویسنده با پروبال دادن به شخصیت‌ها و حوادث حاشیه‌ای، داستان را به جایی می‌رساند که در نقل تاریخی ذکر شده‌است و آنگاه در یک صحنه کلیدی با حضور شخصیت معصوم گره داستان باز و یا سرانجام کار معلوم می‌شود.

این نوع از حضور شخصیت‌های مهم در داستان از «حضور مستقیم» آنها جذاب‌تر و پذیرفتنی‌تر است.

ج) حضور به اشاره

راه‌حل دیگری که برای روایت داستان‌های مربوط به معصومین (علیهم‌السلام) وجود دارد، دستمایه قرار دادن یک روایت یا نقل تاریخی برای ساختن و پرداختن داستانی در حاشیه آن است. در این روش شخصیت‌های نمایش رادیویی چگونگی وقوع آن رویداد خاص را برای هم تعریف می‌کنند یا به بررسی پیامدهای یک سخن یا اقدام یا حرکت حضرات معصومین می‌پردازند و مخاطب، به جای رویارویی مستقیم با روایت تاریخی، بازتابی از آن واقعه را در حرف و کلام و عمل دیگرانی می‌بیند که یا در آن واقعه حضور داشته‌اند و یا از آن بهره برده‌اند.

د) حضور نداشتن

همان‌طور که در تعریف «نمایش معارفی» آمد، تمامی داستان‌هایی که به نحوی پیام اخلاقی و رفتاری متناسب با آموزه‌های معارف اسلامی را در خود جای داده‌اند، می‌توانند دستمایه «نمایش معارفی» قرار گیرند. لذا می‌بینیم که می‌توان بدون حضور شخصیت‌های خاص معارفی، یک «نمایش معارفی» داشت. اکثر داستان‌های حکمت‌آموز آثار ادبی کهن فارسی مثل **گلستان، بوستان، مثنوی معنوی** و ... دارای چنین قابلیت‌هایی هستند. غیر از اینها می‌توان پیام یک آیه قرآن یا حدیث را موضوع خلق یک داستان آزاد قرار داد. کما اینکه بسیاری از داستان‌های آثار فوق‌الذکر با چنین نگاهی ابداع شده‌اند.